**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر واحد**

**بحث انسداد**

**تنبیهات انسداد**

**تنبیه دوم**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه صد و سی و پنجم\_15 شهریور 1399**

سومین راهی که برای تعمیم اعتبار برای همۀ ظنون بیان شده است چه ظنون مظنون الاعتبار، چه ظنون مشکوک الاعتبار، چه ظنون موهوم الاعتبار، فرمایشی بود که جناب شریف العلماء بیان فرموده بود و ان استفادۀ از قاعدۀ اشتغال بود، به این تقریب که آنچه از دلیل انسداد استفاده می شود، وجود عمل به ظن است فی الجمله، منتهی اگر ما به این نکته رسیدیم که قدر متیقنی از ظنون که کافی در استنباطات فقهیه باشد نداریم، وجب العملُ بکلِ ظنٍ. به عبارت اخری اشتغال ذمه یقینی داریم بنابر انسداد نسبت به عمل به ظنون فی الجمله. اگر به همه ظنون عمل کردیم که کافی در فقه هم هست، برائت یقینیه حاصل شد و الا عمل به بعضی از این ظنون دون البعض کافی برای فقه نخواهد بود و در نتیجه برائت یقینیه هم حاصل نمی شود،

ما گاهی قاعدۀ اشتغال را در مساله فقهیه تطبیق می کنیم، گاهی قاعدۀ اشتغال را در مساله اصولیه. اینجا فرمایش جناب شریف العلماء، تطبیق قاعدۀ اشتغال در مسالۀ اصولیه است، یعنی در مساله عمل به ظنون که مسالة اصولیه وقتی برائت یقینیه حاصل می شود بنابرانسداد که به همه ظنون عمل کرده باشیم، پاسخی که شیخ اعظم قدس الله روحه به این مطلب می دهد، مبتنی بر اینکه است که شما چرا نگاه به قاعدۀ اشتغال در مساله اصولیه یعنی مساله عمل به ظن می کنی اما نگاه به قاعده اشتغال در مساله فقهیه فرعیه نمی کنید؟ با مواردی که مضمون دو این قاعده تهافت و تعارضی ندارد، کاری نداریم، اما داریم مواردی را که اگر بخواهیم قاعدۀ اشتغال اصولی را اجرا کنیم در تعارض خواهد بود با قاعده اشتغال فقهی و مساله فرعیه. کجا؟

شک می کنیم آیا سوره در نماز واجب است یا نه؟ اگر تا همین جا بود می گفتیم اشتغال ذمه یقینی داریم به نماز پس باید حالا که شک در سوره می کنیم، سوره را بخوانیم تا این جا همین است اما گر ببنیم یک ظن مشکوک الاعتبار، فرض کنید اجماع مشکوک الاعتبار باشد، اجماع منقول؛ و این اجماع مشکوک الاعتبار اقامه شد بر عدم وجوب سوره، خب شما که می گویید از راه قاعدۀ اشتغال باید به همه ظنون عمل کرد حتی ظنون مشکوک الاعتبار، از ان طرف هم که اشتغال در مساله فقهیه را داشتید، ذمه مشغول بودن به ظنون اقتضایش این است که سوره واجب نباشد. ذمه مشغول بودن به خود نماز به عنوان یک مساله فقهی فرعی این است که سوره واجب باشد. این معضله را حل کنید از یک طرف قاعده احتیاط در فروع و از یک طرف قاعده اشتغال در مساله اصول.

حال شما ممکن است از من بپرسید خود شما در چنین جای چه می کنید؟ می گویم اگر هم بخواهم رعایت کنم جانب ان ظن مشکوک الاعتبار را که قائم بر عدم وجوب سوره است، اگر هم بخواهم ان را رعایت کنم می گویم احتیاط می کنم و سوره را می خوانم اما لا علی وجه الوجوب. چون اگر قصد وجوب بکنم به ان ظن مشکوک الاعتبار دال بر عدم وجوب سوره عمل نکردم، من سوه را می خوانم از باب اشتغال در مساله فرعیه فقهیه. سوره را لا علی وجه الوجوب می خوانم از باب اینکه اشتغال در مساله اصولیه را رعایت بکنم و به همین اندازه کافی است اما اگر بخواهیم بگوییم شما اشتغال در مساله اصولیه ات این است که اساسا سوره را نیاوری و اشتغال در مساله فقهیه این است که سوره را بیاوری، این جا قابل حل نیست، کافی است شما لا علی وجه الوجوب الواقعی بیاورید.

حال ممکن است شما برگردید به بنده بگویید قاعده ایی می گوید هر جا احتیاط در مساله اصولیه بود و اشتغال در مساله فرعیه فقهیه هم بود، اشتغال در مساله اصولیه مقدم است بر احتیاط و اشتغال در مساله فرعیه. پس این جا شما باید ان ظنی را که دلالت می کند بر عدم وجوب سوره مقدم کنید نه اینکه سراغ احتیاط د مساله فقهیه بروید. شیخ اعظم پاسخ می دهد بله ما یک قاعده ایی داریم که احتیاط در مساله اصولیه مقدم است بر احتیاط در مساله فرعیه اما آن با مثال مورد بحث ما متفاوت است، مثال آنجایی که احتیاط در مساله اصولیه مقدم علی الاحتیاط در مساله فرعیه تردد الامر بین القصر و الاتمام است، در یک فرع فقهی نمی دانیم که آیا در این فرع حکم الله قصر است یا حکم الله اتمام است؟ خب ما باشیم و قاعدۀ احتیاط در مساله فقهیه می گوییم یک قصر بخوان و یک تمام بخوان. اما مثلا یک اماره ایی از بین اماراتی که یعلم اجمالا بوجوب العمل ببعضها دلالت داشت مثلا بر خصوص اتمام، اینجا گفته اند همان اماره را عمل کن،

تکرار می کنم، امر من دائر شد بین قصر اتمام از جهت مساله فرعیه فقهیه، مستفاد از یک سری از ادله، استظهارات از ادله تمام، استظهارات بعضی از ادله بس، نفهمیدم که کدام است در مساله فقهیه فرعیه مردد شدم، حال می آیم سراغ تمام به عنوان مثال، می بینم از بین 5 اماره ایی که یعلم اجمالا بوجوب العمل ببعضها، اماره ایی دال بر تمام است، اینجا این اماره را مقدم کنید ونمازتان را تمام بخوانید نمیخواهد جمع کنید هم تمام بخوانید و هم قصر. آنی که گفتم مال اینجاست.

حال شیخ اعظم در صفحۀ 500 یک الا ان یقال می زند با ان انصاف علمی خودش که اقا این مساله هم با مساله مافرقی ندارد من می توانم احتیاط در مساله اصوله را رعایت کنم، احتیاط در مساله فقهیه را هم رعایت کنم، احتیاط در مساله اصولیه این است که مفاد ان اماره را عمل کنم و تمام بخوانم، اما قصر نخوانم؟ از کجا؟ من که تمام را خواندم، الصلاة الاخری حکمها حکم السورة، مثل همان مثال شما که نباید به نیت وجوب خوانده شود اما اصل خواندنش را که منکر نیستیم فلا ینافی وجوب اتیانها لاحتمال الوجوب. بالاخره من احتمال وجوب قصر را هم که می دهم، چه مانعی دارد؟

پس می شود هم احتیاط در مساله فقهه فرعیه را رعایت کرد و هم مساله اصولیه را. هم در مساله سوره و هم در مساله قصر و اتمام.

کسی برگشته است به اقای شیخ می گوید اقا این دو احتیاط با هم معارض هستند. شیخ می گوید این جا معارضه نیست، معارضه می دانید کجاست؟ کما اذا علمنا اجمالا بحرمة شیء من بین الاشیاء، می دانم از این 10 چیز یکیش حرام است ودلت علی وجوب کل منها امارةٌ. بر هر یک از این 10 چیز هم اماراتی قائم است که واجب است، نعلم اجمالا بحجیة احدهما. که ما علم اجمالی داریم یکی از این امارات واجب است، پس از یک طرف باید به همه عمل کنیم چون علم اجمالی داریم از یک طرف چون علم اجمالی داریم به حرمت، باید همه را ترک کنیم این جا معارضه است اما مورد بحث ما که معارضه نیست من هم می توانم به مفاد اشتغال اصولی عمل کنم و به نیت وجوب نیاورم، هم می توانم به احتیاط و اشتغال فقهی عمل کنم و سوره را بیاورم،

پس قاعدۀ اشتغال در جایی که ظنونی داشته باشیم مخالف احتیاط مثمر ثمر نخواهد بود.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد صلی الله علیه و آله و سلم.